

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و چهارم، دوره جدید، شماره ۶۲، پیاپی ۱۵۲، تابستان ۱۴۰۳
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۹۷-۱۲۰

تحول ذهنیت نخبگان جامعه ایران از کار زنان (از انقلاب مشروطه تا ۱۳۳۲ش)^۱

حسن رجیبی فرد^۲، کریم سلیمانی دهکردی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

چکیده

با انقلاب مشروطه تلاش برای حضور زنان در جامعه و تغییر جایگاه آنان آغاز شد. در آغاز بر این موضوع تأکید می‌شد که با آموزش می‌توان عقب‌ماندگی زنان و دختران را جبران و آنها را آماده پذیرش نقش‌های جدید کرد. در این رویکرد، وظیفه زنان کار در خانه و تربیت فرزندان بود. این رویکرد علی‌رغم تغییر جایگاه زنان، در دوره رضاشاه هم با شدت بیشتری اجرا شد. با سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ش و آزادی فضای سیاسی، گروه‌ها و فعالان زن به دنبال تغییر نقش و احقاق حقوق زنان برآمدند. یکی از مصادیق تغییر ذهنیت نخبگان جامعه ایرانی، موضوع اشتغال زنان بود. این مقاله با روش کارکردگرایی ساختاری و با تأکید بر مطبوعات، به این پرسش پرداخته است که نخبگان جامعه ایران در آن دوره چه درکی از کار زنان داشتند؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود تلاش‌های صورت گرفته، گفتار غالب بر کار خانگی زنان و ایفای نقش مادری توسط آنها تأکید داشته و به نقش اقتصادی و اشتغال زنان توجه چندانی نداشته است.

واژه‌های کلیدی: کار خانگی، کار زنانه، حقوق زنان، آموزش زنان، تربیت فرزندان

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2025.48503.2974

۲. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
hrf3011@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
soleimanyk@gmail.com

مقدمه

انقلاب مشروطه نه تنها در عرصه سیاسی، بلکه بنیان‌ها و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را دستخوش تحولات گسترده کرد. در نظام جدید، زنان نیز به عنوان یک نیروی جدید اجتماعی ولو به‌طور اندک ظاهر شدند. در دوره‌های پیشین نیز زنان نخبه و نزدیک به هرم قدرت، در ساخت سیاسی سنتی نفوذ و قدرت داشتند، اما نقش‌آفرینی سایر زنان در عرصه اجتماع و سیاست مدرن، با مشروطه آغاز شد.

در ذهنیت منورالفکران و نخبگان ایران، همواره ناآگاهی و حضور نداشتن زنان در عرصه‌های اجتماعی، یکی از دلایل عقب‌ماندگی ایران معرفی می‌شد. از همین رو، مبارزه با این وضع به یکی از اهداف جریان‌های متجدد تبدیل شد. با انقلاب مشروطه، تأسیس مدارس دخترانه گسترش یافت. این مدارس یکی از عوامل اصلی تغییر سیمای اجتماعی ایران به‌خصوص در حوزه زنان بود. بسیاری از فعالان زن از این مدارس رشد کردند و به ارتقای وضع زنان ایران کمک کردند. تصور غالب این بود که افزایش سطح سواد و آگاهی زنان ایرانی می‌تواند به تغییر موقعیت آنها منجر شود. از این منظر فعالان زنان نگاهی تک‌بعدی داشتند و اهمیت ذهنیت سنتی جامعه و استقلال اقتصادی را نادیده می‌گرفتند. آنها درکی از این موضوع نداشتند که نوع نقش اقتصادی زنان می‌تواند به بازتعریف نقش و جایگاه زنان در جامعه کمک کند.

زنان در جامعه نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کنند. از یک سو، وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان و حفظ امور خانه را دارند و از سوی دیگر، با کار کردن در بیرون از خانه، می‌توانند به چرخ اقتصاد جامعه یاری رسانند. هر یک از این عرصه‌ها به خودی خود اهمیت بسزایی دارد. در عین حال، امکان خلط نقش‌ها و ناکارآمدی نیز وجود دارد. تعارض میان این دو نقش یعنی مادری و نیروی مولد، یکی از مسائلی بود که جامعه ایران همانند همه جوامع نظیر خود، با آن مواجه بود. این مواجهه صرفاً مربوط به عرصه اقتصادی نبود، بلکه عرصه فرهنگ و سیاست را نیز در برمی‌گرفت و در نگاه کلان‌تر عرصه‌ای برای جدال قدیم (سنت) و جدید (تجدد) نیز بود. در واقع، کار زنان را هم باید در چارچوب تغییر مناسبات جامعه ایران و گذار از عصر سنت فهمید. با مواجهه جامع و نخبگان ایران با تمدن غرب، نوع نگاه و ذهنیت آنان به زنان نیز تغییر کرد و کار زنان متأثر از این تحول، دگرگون شد. در این دوره جدال برای حجاب، آموزش زنان، مشارکت سیاسی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان و در مجموع آنچه به عنوان حقوق زنان می‌شناسیم، در سطح جامعه جریان داشت و جریان‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی هر یک برحسب ایدئولوژی و عقاید خو، به بحث درباره آن می‌پرداختند. در واقع، با

فروپاشی نظم اقتصادی کهن و ورود زنان به بازار کار جدید، توجهات به مسئله حقوق زنان جلب شد و اساساً چنین مسئله‌ای موضوعیت پیدا کرد. اشتغال زنان یکی از این عرصه‌های جدال بود. در این مقاله تلاش شده است این بحث، پیشینه و مراحل تحول آن در اندیشه نخبگان جامعه، مورد بررسی قرار گیرد.

آثار منتشر شده درباره زنان کمتر به بحث کار زنان و ذهنیت نخبگان جامعه ایران درباره آن، به‌خصوص در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ پرداخته‌اند. مرضیه حسینی سیاست‌های جنسیتی دوره رضاشاه و وضعیت اشتغال زنان در این دوره را بررسی کرده است.^۱ سیمین فصیحی به نقش مشروطه در عمومی کردن خواسته‌های زنان و خروج آنان از عرصه‌های خصوصی پرداخته است.^۲ والتین مقدم سعی کرده است جایگاه زنان عامه را در روش تولید و بازآفرینی نظام مردسالاری نشان دهد.^۳ علیّه جوانمردی در رساله دکتری خود با عنوان «تعاملات و مناسبات زنان با دنیای غرب؛ از جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم»^۴ به تلاش زنان نخبه برای مطرح کردن موضوع اشتغال زنان اشاره کرده، اما به زنان کارگر اشاره چندانی نکرده است. در این زمینه بیشتر مطالعات بر روی کار و کارگران مرد انجام شده یا جنبه‌های دیگری از مسائل زنان مورد توجه قرار گرفته است. پرسش اصلی این مقاله ناظر به وضعیت اشتغال زنان ایرانی است. هدف این مقاله فهم زمینه‌ها و کارکردهای اجتماعی اشتغال زنان و تحول ذهنیت جامعه نسبت به این موضوع است.

مبانی نظری شکل‌گیری نخستین تئوری‌ها در مورد کار زنان، پس از تحولاتی بود که در انقلاب صنعتی رخ داد و مسائلی برای آن جوامع ایجاد کرد. به موازات آن، تلاش‌هایی برای رفع تبعیض و تدوین قوانین برای کار زنان صورت گرفت. این روند به این شکل در ایران هیچ‌گاه رخ نداد. با این حال، می‌توان از الگوها و نظریه‌های مرتبط برای فهم و صورت‌بندی بهتر کار زنان در ایران استفاده کرد.

جامعه‌شناسان کلاسیک معتقد بودند زن باید همیشه نقش معینی در درون خانه ایفا کند و با هر نوع کار خارج از خانه مخالف بودند. آنها معتقد بودند وظیفه فطری زن، خانه‌داری و نگهداری و تربیت فرزندان در خانه است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۷۰). در این مقاله با روش

۱. مرضیه حسینی (۱۴۰۱)، وضعیت اشتغال زنان در دوره رضاشاه، تهران: نشر تاریخ ایران.

۲. سیمین فصیحی (زمستان ۱۳۸۹)، «از خلوت‌خانه تا عرصه اجتماع؛ رویارویی زنان با «دوگانگی طبیعت و فرهنگ» از انقلاب مشروطیت تا پایان دوره قاجار»، تاریخ اسلام و ایران، شماره ۸، صص ۱۱۵-۱۳۸.

3. Valentine M. Moghadam (Summer-Autumn 2000) "Hidden from History? Women Workers in Modern Iran", *Iranian Studies*, vol.33, No. 3/, pp. 377-401.

۴. علیّه جوانمردی (۱۴۰۲) «تعاملات و مناسبات زنان با دنیای غرب؛ از جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم»، رساله دکتری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.

کارکردگرایی ساختاری ۱ و با تأکید بر نظریه تالکوت پارسونز، این موضوع بررسی شده است. در کارکردگرایی، نهادهای اجتماعی براساس پیامدهایی که برای جامعه به دنبال دارند، بررسی می‌شوند. براساس این رویکرد، نهادهای اجتماعی در حفظ ثبات جامعه سهیم‌اند (ادگار و سجویک، ۱۳۹۷: ۴۳). یکی از این نهادها، نهاد خانواده است. در بین جامعه‌شناسان کارکردگرا، تالکوت پارسونز بیشتر از دیگران به نهاد خانواده و نقش‌های جنسیتی زنان و مردان پرداخته است (پارسونز، ۱۳۶۳: ۷۲۵).

از نظر پارسونز، در خانواده هسته‌ای، وظیفه اشتغال و کسب درآمد برعهده مرد است و زن وظیفه خانه‌داری و تربیت کودکان را برعهده دارد. به عقیده پارسونز، این الگو باعث می‌شود تا یک خانواده کارکرد اصلی خود، یعنی جامعه‌پذیری کودکان و تثبیت شخصیت را به درستی انجام دهد. از سوی دیگر، این نقش اقتصادی باعث یکپارچگی خانواده و در نهایت، یکپارچگی اجتماعی می‌شود. براساس این الگو، اشتغال زنان باعث برهم خوردن ساختار طبقاتی و اجتماعی می‌شود و زمانی که زنان به سمت شغل و استقلال اقتصادی بروند، هسته خانواده از هم می‌پاشد (Parsons, 1956). از این رویکرد می‌توان برای فهم ذهنیت و اندیشه غالب نخبگان ایران در آن دوره استفاده کرد.

از این منظر می‌توان موضوع کار زنان را از چند جنبه بررسی کرد: نقش مادری، جدال کار خانگی و کار صنعتی، وضعیت کارمندان زن و وضعیت کودکان و زنان کارگر.

آموزش و مادری، مهم‌ترین مسئولیت زنان در دوره مشروطه

در نظام تقسیم کار سنتی، وظیفه زن اداره امور خانه و تربیت فرزندان بود و مرد وظیفه کار کردن در بیرون از خانه را برعهده داشت. به عبارتی، مهم‌ترین مشغله زنان در دوره قاجار مربوط به زایمان و تربیت فرزندان بود (اتحادیه، ۱۳۸۸: ۳۶؛ عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۱۷۷) و عقیم بودن زن «بزرگ‌ترین مصیبت‌ها» تلقی می‌شد (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۵۳). در ایران مشروطه، مطبوعات زنان به دلیل شرایط اجتماعی همچنان بر اهمیت نهاد خانواده و کار خانگی تأکید داشتند. «نشریه دانش» هدف خود را افزایش دانش خانه‌داری و آموختن «رسم شوهرداری» عنوان می‌کرد (دانش، ۱۳۲۸ق: ۱). «جمعیت نسوان وطنخواه» بر این نکته تأکید می‌کرد که «زینت اصلی زن» خانه‌داری است (جمعیت نسوان وطنخواه، مرداد و شهریور ۱۳۰۳: شماره ۵ و ۶، ص ۵). برخی دیگر «نصف ترقی مملکت را بسته به دانستن زن‌ها» می‌دانستند (باغدار دلگشا، ۱۳۹۵: ۱۵۷). می‌توان گفت نشریات این دوره به هويت سنتی زن حمله نمی‌کردند. آنها

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۴، شماره ۶۲، تابستان ۱۴۰۳ / ۱۰۱

در درون همان نظام معرفتی، بر به کارگیری دو عنصر علم‌گرایی مدرن و عقل تأکید داشتند (ترابی فارسانی، ۱۳۹۵: ۷۴).

صحبت کردن از حقوق زنان در آن دوران، کار آسانی نبوده است. حتی برخی مشروطه‌خواهان به دلیل حساسیت نیروهای سنتی، از طرح این موضوع خودداری می‌کردند (احمدی خراسانی و اردلان، ۱۳۸۲: ۳۷۹). به تعبیری تنها شغلی که حکومت برای زنان در آن دوران به رسمیت می‌شناخت، پیوستن به «صنف فاحشه‌ها» بود (ناطق، ۱۳۵۸: ۴۶). با این حال، برخی از نخبگان و جریان‌های سیاسی به‌طور جسته و گریخته به بحث کار زنان می‌پرداختند. «ایران نو» در مقاله‌ای به انتقاد از مساوی نبودن حقوق کارگران زن و مرد پرداخت و آن را بی‌عدالتی آشکار دانست (ایران نو، ۴ صفر ۱۳۲۹: شماره ۵۸، ص ۴). اوتیس سلطان‌زاده از زنانی یاد کرد که در کشتزارهای برنج و تنباکو روزانه دوازده ساعت کار می‌کردند، اما دستمزدهای اندکی می‌گرفتند (شاکری، [بی‌تا]: ۱۰۵/۴). حزب «اجتماعیون اتحادیون ایران» از ضرورت کار زنان در کنار مردان سخن می‌گفت (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۶۵). «روزنامه شکوفه» کار کردن را وظیفه مشترک زنان و مردان می‌دانست (شکوفه به انضمام دانش، ۱۳۷۷). ابراهیم مهدوی نیز از ضرورت دخالت زنان در امر کار و تولید سخن گفته و آن را مقدم بر اصلاحات دیگر دانسته است (نامه فرنگستان، نوامبر و دسامبر ۱۹۲۴: شماره ۷ و ۸، صص ۳۵۸-۳۵۹). مجله «نامه فرنگستان» در مقاله‌ای خواستار مساوات زنان و مردان در همه امور اجتماعی و اقتصادی، از جمله انتخاب شغل شده بود (همان، اکتبر ۱۹۲۴: شماره ۶، ص ۲۸۷).

در این دوره، امکان طرح بحث درباره کار زنان به خاطر شرایط ذهنی و عینی جامعه چندان فراهم نبود، بنابراین مهم‌ترین مطالبه زنان در دوران مشروطه، حق آموزش برای زنان بود. در این ذهنیت، چنین تبلیغ می‌شد که جامعه ایران عقب‌مانده است و تنها راه حل آن، سوادآموزی مادران و زنان است تا از این طریق مردان و زنانی آگاه تربیت کنند.

ایفای نقش مادری؛ کارکرد زنان در دوره رضاشاه

با شروع روند نوسازی ایران در دوره رضاشاه، موقعیت اقتصادی زنان ایران تضعیف شد؛ زیرا به دلیل ایجاد صنایع، زنان تا حد زیادی دسترسی به ابزار تولید اقتصاد خانگی را از دست دادند (بهرامی تاش، ۱۳۹۹: ۱۱۳). در دوره رضاشاه نیز گفتار رسمی بر این نکته تأکید داشت که وظیفه زن ایرانی، ایفای نقش مادری است. در این رویکرد، زن ایرانی باید وظایف خود در خانه را انجام می‌داد و فرزندان میهن‌پرست تربیت می‌کرد (بامداد، ۱۳۱۰: ۴۳). این رویکرد در اندیشه نخبگان این دوره به کرات مشاهده می‌شود. نورالهدی منگنه که از مؤسسان «جمعیت

نسوان وطنخواه» بود، در این باره نوشته است: «باید مادران و خانواده‌ها را اصلاح کرد و مادران آزموده تهیه و تحویل جامعه داد» (منگنه، ۱۳۴۴: ۳۱). این جمعیت برخلاف انجمن‌های مشروطه می‌خواست با همه طبقات جامعه در ارتباط باشد، اما در عمل محدود به زنان طبقه‌های بالا بود (خسروپناه، ۱۳۹۷: ۱۷-۱۸). حتی احمد کسروی معتقد بود زنان را به کارهای مردانه نباید راه بدهند (پیمان، فروردین ۱۳۱۳: شماره ۹، ص ۱۶)؛ زیرا هم باعث تباهی زنان می‌شد و هم عرصه را برای مردان تنگ می‌کرد (کسروی، ۱۳۲۴: ۱۸). در دوره رضاشاه نهادهای دولتی بر فعالیت زنان کنترل داشتند که اوج آن در کانون بانوان دیده می‌شود و زنان را از فعالیت سیاسی منع می‌کرد (فتحی، ۱۳۸۳: ۱۳۰). در همین دوره، یکی از زنان در روزنامه اطلاعات نسبت به برنامه آموزشی دختران اعتراض کرده بود و عقیده داشت این برنامه درسی مانع از اشتغال زنان می‌شود (اطلاعات، ۵ دی ۱۳۰۷: شماره ۵۴۹، ص ۲). حتی در کتب درسی آن دوره آمده بود «طبیعت زنانه» اداره امور منزل و تربیت فرزندان را به کار کردن در بیرون ترجیح می‌دهد (بامداد، ۱۳۱۰: ۴۲-۴۳). این رویکرد حتی در نمایش‌های این سازمان مشاهده می‌شد. این سازمان، نمایشی با عنوان «لطیفه‌خانم خانه‌دار» اجرا کرد که در «ستایش وظیفه‌شناسی و خانه‌داری بانوان» بود (ستاری، ۱۳۹۴: ۷۹).

جریان رسمی و دولتی‌ای که در زمینه زنان فعالیت می‌کرد، مبارزات و فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی زنان مستقل را از مسیر طبیعی خود خارج کرد. در واقع، مسائل اصلی زنان ایران با مسائلی که این جریان‌ها تبلیغ می‌کردند، تفاوت داشت. ایران ایرانی در کنگره زنان مسلمان گفت در هیچ دوره‌ای هیچ حکومتی برای رهایی طبقات فرودست از جمله زنان تلاشی نکرده است و «آزادی زن باید به دست خود زن تحصیل شود و تا زمانی که زنان استقلال مالی پیدا نکنند، نمی‌توانند به حقوق خود دست پیدا کنند (سلامی و نجم‌آبادی، ۱۳۸۴: ۱۳۹-۱۴۰). «روزنامه پیکار» به انتقاد از فعالان زن در دوره رضاشاه پرداخت. این روزنامه معتقد بود این فعالان، مسائل زنان را به امور سطحی تقلیل می‌دهند و در نهایت، زن را لایق کُلفتی معرفی می‌کنند (پیکار در برلین، دوره روزنامه پیکار، ۱۳۱۰: ۶۳).

برخی از گروه‌ها و افراد جامعه مخالف این عقیده و خواستار کار زنان در خارج از خانه بودند. جنبش‌ها و جمعیت‌های مرتبط با زنان، طی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۱۰ش. با جریان‌های کمونیستی ایران ارتباط داشتند. برخی از این جمعیت‌ها خواهان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و برابری حقوق برای زنان بودند (محمدی، [بی‌تا]: ۴). جعفر پیشه‌وری معتقد بود جنبش زنان در این دوران مطلقاً به موجودیت زنان کارگر و زحمتکش اعتقادی نداشت (پیشه‌وری، ۱۳۷۸: ۱۰-۱۱). «مجله ستاره سرخ» نیز از زنان رنجبر ایرانی خواست با پیوستن به این فرقه،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۴، شماره ۶۲، تابستان ۱۴۰۳ / ۱۰۳

خود را از «طوق بندگی» رها سازند (روزنامه ستاره سرخ، ۱۹۹۲: ۱۵۵).

با روی کار آمدن رضاشاه، امکان ورود زنان به نظام اداری فراهم شد. در نظم جدید که با اصلاح نظام دیوانی ایران نیز همراه بود، برخی از زنان توانستند مشاغلی در ادارات به دست آورند (نقش جهان، ۲۰ تیر ۱۳۲۴: شماره ۲۴۲، ص ۱). از سال ۱۳۱۴ راه برای اشتغال زنان در ادارات دولتی باز شد. ظهور گروهی به نام «زنان کارمند» محصول این دوره است (رجایی، ۱۳۹۶: ۱۶۴/۲). در ذهنیت روشنفکران و توده مردم، نقش اصلی زن در این دوره منحصر به کار خانگی و نهایتاً تربیت فرزندان میهن پرست می شد و اساساً صحبت چندانی از کار زنان به میان نمی آمد.

در این دوره، زنان زیادی پا به پای مردان در صنایع اصفهان کار می کردند. کارخانه وطن در سال ۱۳۱۰ دارای ۵۲ کارگر ۱۱-۱۶ ساله دختر و پسر، ۱۳۵ کارگر زن و ۳۲۰ کارگر مرد بود. بافت فرهنگی و سنتی هر شهر در کنار نیاز به نیروی کار زنان، در استخدام و اشتغال آنها مؤثر بود. برای مثال، در کاشان و در کارخانه های مخملبافی توکلی و علوی و سایر بنگاه های کوچک و بزرگ صنعتی و تجاری، هیچ کارگر زنی وجود نداشت (حسینی، ۱۴۰۱: ۳۶۱). البته دولت به زنان کارگری که حجاب خود را برمی داشتند، امتیازاتی نیز می داد. در صنایع نساجی اصفهان بیشتر زنان در بخش پنبه پاک کنی مشغول به کار بودند. آنها با وجود ساعات کار طولانی و تغذیه نامناسب، هیچ گاه از امکانت بهداشتی نظیر ماسک و دستکش برخوردار نبودند. در عین حال، حاضر به کشف حجاب هم نبودند. تنها هنگامی که زنان کارگر حجاب خود را برداشتند، دستکش و لباس مخصوص به آنها تعلق گرفت (حسینی، همان، ۶۷).

خودآگاهی از وضعیت خود و شکل گیری تشکل حقوقی

به موازات برقراری روابط ایران با غرب و تغییر شرایط سیاسی، زنان ایرانی به عقب ماندگی خود آگاه شدند و درصدد تغییر شرایط برآمدند. در واقع، ابتدا این مسئله در ذهنیت نخبگان و زنان متجدد رخ داد و تا مدت ها عینیت پیدا نکرد. تغییر ذهنیت درباره زنان، مصادیق زیادی داشت: گسترش مدارس، کشف حجاب، توجه به آموزش زنان و تربیت مادران. توجه به حقوق زنان در زمینه ازدواج و مواردی از این دست نشان از تحول در فهم عمومی و ذهنیت جامعه داشت. یکی از مصادیق آن، کار زنان بود که در ادامه به آن اشاره شده است.

پیشه وری از نخستین کسانی بود که نسبت به این وضع اعتراض کرد. وی گفت ایران یکی از کشورهای بی استیلاست که برای تمام کارگران و زحمت کشان هیچ قانونی وضع نشده است (پیشه وری، ۱۳۷۸: ۱۱). «مجله دنیا» وضعیت زنان ایران را محصول «شرایط نظام تولیدی

جامعه» می‌دانست (مؤمنی، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۵). این مجله معتقد بود تا زمانی که زنان ایران استقلال اقتصادی نداشته باشند، صحبت از آزادی نسوان بیهوده است (دنیا، تیر ۱۳۱۳: شماره ۶، ص ۱۸۵).

در دوره رضاشاه با وجود کشف حجاب و تصویب قوانینی به نفع زنان، یک نوع «فمینیسم دولتی» را شاهدیم (فصیحی و حسینی، ۱۳۹۸: ۳۸). در واقع، برخلاف دوره‌های قبل در این دوره، دولت متولی حرکت زنان شد و آن را از مسیر مستقل و طبیعی خود خارج کرد (خطابه‌های کانون بانوان، ۱۳۱۴: ۱۲). با این حال، تأکید آثار رسمی و گفتار مسلط این دوره، بر این بود که زنان ایرانی وظیفه دارند در خانه کار کنند و با تربیت «فرزندانی میهن‌پرست» به کشور خدمت کنند.

طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، جامعه و به دنبال آن زنان توانستند فعالیت سیاسی را از سر بگیرند. به تعبیر مریم فیروز، زنان و کارگران به حقوق خود پی بردند و متوجه شدند باید از حق خودشان دفاع کنند (فیروز، ۱۳۷۳: ۱۰۵). زمانی در سال ۱۳۰۰ «یعقوب انوار» وجود طبقه کارگر در ایران حتی در میان مردان را انکار می‌کرد، اما حدود بیست سال بعد، «امان‌الله اردلان» وزیر پیشه و هنر، در قانون کار پیشنهادی خود صحبت از حقوق زنان و کودکان کارگر کرد و دو ماده را به آن اختصاص داد. زنان توانستند در اداره‌ها مشغول به کار شوند و برخی از آنها نظیر «عظمی عدل» رئیس اداره شدند (عدل، [بی تا]: ۱۶۳). برخی از زنان در این دوره به درستی متوجه شده بودند که «استقلال اقتصادی زن ضامن شئون اجتماعی اوست» و بر لزوم کار کردن و استقلال اقتصادی تأکید می‌کردند (علوی، [بی تا]: ۶۵).

نشریات زنان سعی کردند بازتعریفی از جایگاه و نقش زن ارائه دهند. آنها می‌خواستند مظهر افکار یک زن برجسته ایرانی گردند و زنان را نسبت به مسائل خود آگاه سازند (بانو، آذر ۱۳۲۳: شماره ۴، ص ۱). آنها با انتشار مقاله‌هایی درباره پیشرفت زنان در اروپا، به مقایسه وضعیت زنان این جوامع و ایران می‌پرداختند. آنها به خوانندگان چنین القا می‌کردند که دلیل ترقی این جوامع، استفاده از زنان است. همچنین با معرفی زنان موفق، سعی می‌کردند ذهنیات غلط و تصورات سنتی از زنان و جایگاه آنها را رد کنند (عالم زنان، آبان ۱۳۲۳: شماره ۵، ص ۱۳). عالم زنان در مقاله‌ای نوشت جنگ جهانی دوم نشان داد که زنان می‌توانند علاوه بر انجام کار خانگی خود، در صنایع و محیط خارج از خانه نیز نقش‌آفرینی کنند و زنان بدون تبعیض می‌توانند سایر مشاغل را بهتر از مردان انجام دهند (عالم زنان، شهریور ۱۳۲۳: شماره ۳، ص ۱).^۱

۱. تغییر جایگاه و تغییر نگاه جامعه به کارگران، مختص ایران نبود. در انگلستان نیز پس از دوره‌ای که به کارگران به عنوان موجوداتی زائد نگاه می‌شد، نگاه‌ها تغییر کرد و آنها توانستند جایگاه خود را در جامعه آنجا بهبود

این خودآگاهی از اهمیت زنان کارگر، منحصر به زنان نبود، بلکه مردان هم متوجه اهمیت آن شده بودند. نشریه «بیداری ما» به نقل از یک کارگر مرد نوشت: «اگر زنان ایران با ما همراه بودند، قدرت ما پنج برابر می‌شد. آنهایی که زنان را خانه‌نشین و خرافاتی می‌کنند، می‌دانند که از این راه می‌شود توده ایران را فلج کرد» (بیداری ما، مهر ۱۳۲۴: شماره ۴، ص ۱۴). نشریه «جهان زنان» نوشت لایحه بیمه جدید، بسیاری از زنان کارگر را در برنمی‌گیرد و محدود به برخی کارگران است (جهان زنان، ۴ بهمن ۱۳۳۱: شماره ۳۱، ص ۶). روزنامه «جهان تابان» در بیانیه‌ای از زنان کارگر خواست تا از اعتصاب کارگران خوزستان حمایت کنند (جهان تابان، ۱۹ فروردین ۱۳۲۹: شماره ۲۷، ص ۱). بیداری ما همچنین مباحث زیادی را به «بی‌حقی زنان» اختصاص داد. این مجله از زنان خواست با این «فساد خانمان‌سوز» مبارزه کنند و دستمزد کارگران را معتدل کنند (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: شماره ۱۳، صص ۴-۶). یکی از زنان در نامه‌ای به مجله «جهان زنان» نوشت: «من باور نمی‌کنم که خداوند مرا تنها برای خانه‌داری و بچه‌داری آفریده باشد» (جهان زنان، ۲ اسفند ۱۳۳۰: شماره ۱۵، صص ۱، ۵). زنان به این باور رسیده بودند تا زمانی که استقلال اقتصادی نداشته باشند، نمی‌توانند از حقوق یکسان برخوردار شوند (فیروز، ۱۳۶۰: ۱۱).

بحث درباره کار زنان، یکی از مجموعه بحث‌هایی بود که ذیل حقوق زنان در جامعه در جریان بود. یکی از مظاهر این حقوق، بحث مشارکت سیاسی زنان و حضور آنها در انتخابات بود که از مجرای آن، بحث کار زنان نیز دوباره مطرح شد. صدیقه دولت‌آبادی معتقد بود اگر زنان حق رأی داشتند، هرگز یک فرد مستبد و مرتجع انتخاب نمی‌شد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۸۸-۱۸۷/۱). حزب توده در سال ۱۳۲۳ لایحه حق رأی زنان را تقدیم مجلس کرد. دولت در سال ۱۳۳۱ سعی کرد قانون انتخابات را اصلاح کند و به زنان حق رأی دهد. نیروهای سنتی و مذهبی ضمن مخالفت با این کار، خواستار اخراج کارمندان زن از اداره‌ها شدند (باختر امروز، ۱۵ دی ۱۳۳۱: شماره ۹۹۹، ص ۵). مجله «زن مبارز» نوشت وجود زنان تحصیل‌کرده منشأ فساد نمی‌گردد و اخراج بانوان از ادارات دولتی، چاره اصلاح امور ایران نیست (زن مبارز، ۳۰ فروردین ۱۳۳۱: شماره ۲، ص ۱). با این حال، زنان شاغل هیچ‌گاه نتوانستند نقشی اساسی در این احزاب بازی کنند و همچنین نتوانستند خواسته‌های زنان را به کل جامعه منتقل کنند. باور به ایفای نقشی غیر از خانه‌داری و بزرگ کردن فرزند، تحول بزرگی در اندیشه و ذهنیت زن ایرانی بود و زمینه تغییر نقش اقتصادی زنان را فراهم کرد. از این طریق آنها

ببخشند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

Gareth Stedman Jones (1971), *Outcast London: A Study in the Relationship Between Classes in Victorian Society*, Oxford: Clarendon Press, London: University Press.

توانستند گامی در جهت احقاق حقوق خود بردارند. در این دوره نه فقط زنان کارگر، بلکه موقعیت همه کارگران تغییر کرد. آنها به لطف فضای باز سیاسی و تشکلیابی، توانستند در صحنه سیاسی جامعه ایران نقش فعالی ایفا کنند. از این پس کارگران به عنوان یک نیروی اجتماعی فعال در جامعه ظاهر شدند و اعتبار و شخصیت پیدا کردند. بیان این موضوع به معنای اغراق درباره نقش و جایگاه زنان کارگر نیست. زنان شاغل هیچ‌گاه عنصری تعیین‌کننده در جامعه آن روز نبودند، اما در تغییر وضعیت و ذهنیت جامعه و زنان ایرانی نقش داشتند. مرور آمار مشارکت و اشتغال زنان نیز نشان می‌دهد که این موضوع مدت‌ها در کانون بحث بوده و با وجود تغییر ذهنیت، در عرصه عمل تغییر چندانی در وضعیت اشتغال زنان به وجود نیامد. بنابراین با آزادی فضای سیاسی، برخی از زنان نیز درصدد تغییر موقعیت و جایگاه حقوقی خود در جامعه برآمدند که یکی از مصادیق آن بحث اشتغال زنان بود.

جدال میان کار خانگی و کار بیرون از خانه

تضاد میان نقش مادری یا کار خانگی و کار در بیرون، یکی از مسائلی بود که در بطن جامعه ایران آن روز جریان داشت. در یک طیف، نیروهای سنتی و حتی برخی از روشنفکران ایرانی قرار داشتند که وظیفه زنان را تربیت فرزندان معرفی می‌کردند. در سوی دیگر، برخی از زنان متجدد خواهان برابری زن و مرد در اشتغال بودند. روزنامه «زبان زنان» مرام خود را «تربیت مادر» عنوان کرده بود (زبان زنان، آذر ۱۳۲۱: شماره ۱، صص ۱، ۴). برخی مادری را «وظیفه‌ای مقدس» قلمداد می‌کردند که در صورت انجام درست آن، زنان می‌توانند از «حقوق» برخوردار شوند (آزادی زنان، ۱۳۲۳: شماره ۱۴، ص ۲؛ زن امروز، ۱۵ خرداد ۱۳۲۳: شماره ۱، ص ۲). روزنامه زبان زنان طرح مسئله کار زنان در ایران را بی‌مورد می‌دانست؛ زیرا زنان از آغاز خلقت کار می‌کردند. این مجله بهترین کار زن را «مرد کار پروردن» می‌دانست (زبان زنان، شهریور ۱۳۲۳: شماره ۵، صص ۳-۷). «ایران اعلم» رئیس زایشگاه تهران، با وجود آنکه پزشک بود، معتقد بود وظیفه اصلی زنان، کار در خانه، تربیت فرزند و مراقبت از شوهر است و کارهای خارج از محیط خانه فرع بر وظیفه مادری و همسری است (عالم زنان، آذر ۱۳۲۳: شماره ۶، ص ۱۳). نویسنده مردی در پاسخ نوشت زنان توانایی اداره یک حمام را هم ندارند و بهتر است به جای تقاضاهای بی‌مورد، به تربیت فرزندان و خانه‌داری مشغول باشند (مردان روز، ۱۴ شهریور ۱۳۲۴: شماره ۳۴، ص ۵). در مقاله‌ای بر این نکته تأکید شده بود که «کمال زنان در این است که به کارهای درونی منزل بپردازند و وظیفه خاص حمل و شیر دادن به فرزندان و تربیت آنان را انجام دهند» (بانو، اسفند ۱۳۲۴: شماره ۳، ص ۲). «قیام زن» مهم‌ترین وظیفه زن

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۴، شماره ۶۲، تابستان ۱۴۰۳ / ۱۰۷

شوهردار را «خانه‌داری، بچه‌داری، شوهرداری» معرفی کرد (قیام زن، ۱۰ بهمن ۱۳۲۸: شماره ۷، ص ۱۶). این مجله از زنان کارگر و کارمند خواست از خود پرسند «آیا در حقیقت شما برای همین منظور [کار کردن] آفریده شده‌اید و آیا میهن و جامعه این انتظار را از شما دارند؟» (همان، ۱). حتی «شرکت نفت انگلیس و ایران» کلاس‌های خانه‌داری برای زنان و فرزندان کارگران برگزار می‌کرد (اخبار هفته، ۳۰ تیر ۱۳۲۹: شماره ۱۹۳، ص ۹). یکی از نمایندگان اقلیت مجلس در نطق خود، کار زنان در خارج از خانه را در ردیف فحشا قرار داد و خواهان اخراج زنان از ادارات شد (جهان زنان، ۲۹ آذر ۱۳۳۰: شماره ۶، صص ۱، ۲). برخی از کارمندان دولت نیز عریضه‌ای به مجلس نوشتند و در آن مدعی شدند که عده زیادی از مردان ماشین‌نویس بیکار می‌باشند؛ درحالی‌که زنان جای آنها را در ادارات اشغال کرده‌اند و «بودجه کشور» [درآمد خود] را با خرید «اسباب توالت» هدر می‌دهند (کمام، ۱۵ - ۱۰۱۱ - ۶۴ - ۱۳/۹ - ۱۰۸).

از سوی دیگر، این عقیده مخالفانی جدی در سطح جامعه داشت. برخی ضمن تأکید بر حفظ کانون خانواده، خواستار برخورداری زن ایرانی از حقوق انسانی شدند. «گریگور یقیکیان» در اعتراض به اخراج کارمندان زن نوشت: «زن چه گناهی کرده است که باید از شرکت در اداره کشور به کلی محروم گردد؟ اگر زن بتواند هم دارای اولاد بشود و هم امور یک اداره بزرگی را اداره کند بیشتر به وطن خدمت می‌کند» (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۲۱۷، ۲۱۸). بیداری ما نوشت در کشور و قانون ما، «زن ایرانی جزو مجانبین و اطفال به شمار می‌آید و هیچ‌گونه حق دخالت در اداره و سرنوشت خود ندارد» (بیداری ما، تیر ۱۳۲۴: شماره ۱۳، ص ۱۴). زهرا خانلری در مصاحبه‌ای بر تساوی زن و مرد در مقام اجتماعی تأکید کرد و گفت «زن اگر در منزل بماند و فقط به کار خانه و مادری‌اش برسد، مردها حقش را پایمال خواهند کرد» (عالم زنان، آبان ۱۳۲۳: شماره ۵، ص ۱۳). فاطمه سیاح در پاسخ به کسانی که وظیفه زنان را کار در منزل می‌دانستند، نوشت «در جایی که حقوقی وجود ندارد، وظیفه‌ای نیست» (سیاح، ۱۳۵۴: ۱۴۶). این موضوع بر نکته مهمی اشاره داشت. زنان یا حداقل برخی از زنان نخبه جامعه متوجه شده بودند که باید از حقوق عادلانه‌ای برخوردار باشند تا بتوانند رشد کنند.

این جدل تنها به محافل و مطبوعات تهران محدود نمی‌شد. کشاکش میان کار خارج از خانه و خانه‌داری، به یک مجادله قلمی در مطبوعات اصفهان منجر شد (رجایی، ۱۳۹۶: ۱۶۵/۲). این بحث‌ها تا سال‌ها در محافل مطبوعاتی ادامه یافت (اطلاعات بانوان، ۱۲ فروردین ۱۳۳۶: شماره ۱، ص ۷).

این جدال که به دلیل مشخص نشدن و عدم تعریف نقش‌ها بود، یکی از مسائل مهم زنان

در این عصر بود. کسانی که دل در گرو سنت داشتند، مخالف ایفای نقش اقتصادی زنان بودند. از سوی دیگر، برخی که به دنبال مدرن کردن جامعه ایران بودند، می‌دانستند که بدون تغییر وضعیت اقتصادی زنان، نمی‌توان به هدف رسید.

کودکان و زنان کارگر

مسئله کار زنان تنها به کار در ادارات منحصر نمی‌شد، بلکه زنان و دختران خردسال دیگری نیز بودند که در کارخانه‌ها کار می‌کردند. این کارگران به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی وضعیت مناسبی نداشتند. همزمان با رشد صنایع در ایران، استفاده از نیروی کار زنان و کودکان در ایران افزایش یافت. علت این کار، پرداخت درآمد پایین و تبعیت بیشتر آنها بود. همچنین ساعات بیشتری مشغول به کار می‌شدند (زمان نوین، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۱، ش ۱۳، ص ۲؛ طوافچیان و جاسمی، ۱۳۵۸: ۲۹). در اصفهان به ازای هر مرد کارگر، یک زن یا یک کارگر خردسال وجود داشت (باقری، ۱۳۸۱: ۶/۲). در کارخانه چیت‌سازی ری، از بین ۱۵۰۰ کارگر، هشتصد نفر زن بودند (کیهان، ۱۳۵۹: ۱۹). براساس آمارهای رسمی در سال ۱۳۲۶، ۴۰/۶٪ از کارگران نساجی را زنان تشکیل می‌دادند (آمار عملکرد صنایع کشور، ۱۳۲۶: ۱۱۹). کارخانه وطن و کارخانه شهرضا کارگران مرد را اخراج و زنان و کودکان را با حقوق کمتر و ساعت کار بیشتر استخدام می‌کردند (اخگر، ۱ فروردین ۱۳۲۱: شماره ۱۷۳۹، ص ۲). این کارگران بین یک تا دوسوم مردان مزد می‌گرفتند. برخی از احزاب و جریان‌های سیاسی آن دوره، مبارزه برای برابری حقوق را آغاز کردند (ساکما، ۵۷۹۰۴)، اما مخالفت‌های زیادی را برانگیخت. در آن دوره برخی گمان می‌کردند که تساوی حقوق زن و مرد، بنیاد خانواده را ضعیف می‌کند. با این حال، ایجاد فضای باز سیاسی پس از سقوط رضاشاه، باعث شد زنان کارگر نیز به فکر بهبود وضع خود بیفتند. پس از اعتصاب کارگران اصفهان در ۶ اردیبهشت ۱۳۲۲، آنها موافقت‌نامه‌ای با رؤسای کارخانه‌ها امضا کردند که براساس آن، حداقل حقوق کارگران زن ۱۰ ریال تعیین و استخدام دختران زیر ۱۲ سال ممنوع شد (صدری، ۱۳۳۰: ۱۲-۱۴).

جدول شماره ۱. مقایسه دستمزد کارگران زن و مرد اصفهان (فلور، ۱۴۰۱: ۱۵۶)

شهریور ۱۳۲۰								کارخانه‌ها
مردان		زنان		دختران		پسران		
حداکثر	حداقل	حداکثر	حداقل	حداکثر	حداقل	حداکثر	حداقل	
۹/۵۰	۳/۰۰	۴/۰۰	۲/۵۰	۳/۷۰	۲/۰۰	۴/۰۰	۲/۰۰	نختاب
۱۰/۰۰	۳/۰۰	۴/۰۰	۲/۵۰	۳/۰۰	۱/۵۰	۵/۰۰	۱/۵۰	پشمباف
۱۰/۰۰	۴/۵۰	۴/۵۰	۲/۵۰	۲/۵۰	۱/۵۰	۴/۵۰	۲/۰۰	ریسباف
۱۰/۰۰	۶/۰۰	۴/۰۰	۲/۵۰	۳/۰۰	۲/۰۰	۴/۵۰	۳/۵۰	صنایع پشم
۸/۹۰	۳/۹۰	۴/۳۰	۲/۸۰	۳/۲۰	۲/۰۰	۴/۷۰	۳/۲۰	زاینده‌رود
۱۰/۰۰	۵/۰۰	۳/۵۰	۲/۸۰	۴/۵۰	۳/۵۰	۷/۰۰	۴/۵۰	وطن
۹/۲۰	۴/۲۰	۶/۵۰	۳/۲۰	۳/۰۰	۲/۵۰	۵/۰۰	۲/۵۰	شهرضا
۸/۰۰	۵/۰۰	۴/۵۰	۳/۰۰	۴/۵۰	۳/۰۰	۴/۵۰	۳/۰۰	رحیم‌زاده
۷/۵۰	۳/۲۵	۴/۰۰	۲/۵۰	۵/۰۰	۲/۵۰	۴/۰۰	۲/۲۰	ریسندگی برک

شهربانی رشت هم در تلگرافی از تجمع زنان کارگر در محل حزب توده خبر داد. آنها خواهان نان، بهداشت و رعایت حقوق کارگران بودند (ساکما، ۱۳۰۶). زنان کارخانه‌های ریسندگی اتحادیه منسجمی تشکیل دادند و به تشکیلات دموکراتیک ایران پیوستند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۱۷؛ پیرنیا، ۱۳۷۴: ۱۰۸). حزب زنان، تشکیلات زنان و جبهه آزادی در اعتراض به ایجاد محدودیت برای زنان، دست به ائتلاف زدند و بیانیه مشترکی صادر کردند. یکی از مواد این بیانیه «تهیه طرح مناسب برای تأمین استقلال اقتصادی بانوان و تکمیل شرکت زنان در امور اجتماعی» بود (بیداری ما، مرداد ۱۳۲۴: شماره ۲، ص ۴).

تساوی دستمزد، استفاده نکردن از کودکان خردسال و جلوگیری از تعرض به زنان کارگر، از جمله خواسته‌هایی بود که فعالان زن خواستار تحقق آن بودند و در نطق‌ها و مقالات خود بر آن تأکید می‌کردند. گزارش‌های زیادی درباره تعرض به زنان کارگر در مطبوعات این دوره منتشر شده است (سیاست، ۱۹ تیر ۱۳۲۱: شماره ۱۱۶، ص ۱؛ نامه رهبر، ۸ فروردین ۱۳۲۲: شماره ۴۲، ص ۲). در آن دوران، کارگران زن به محض حامله شدن از کار اخراج می‌شدند. مهرانگیز اسکندری گفته است زنان کارگر با وضع حمل، یک وظیفه اجتماعی مهم را نیز انجام می‌دهند؛ بنابراین نباید آنها را از حق و حقوقشان محروم کرد. وی در پایان، خواستار فراهم کردن زایشگاه‌های متعدد و رایگان برای زنان کارگر نیز شد (بیداری ما، شهریور ۱۳۲۴: شماره

۱۱۰ / تحول ذهنیت نخبگان جامعه ایران از کار زنان (از انقلاب مشروطه تا ۱۳۳۲ش) / رجیبی فرد و ...

۳، صص ۶-۸).

آمار دقیقی از تعداد کودکان و زنان کارگر در دست نیست، اما در برخی کارخانه‌ها و سال‌ها می‌توان حدود آن را مشخص کرد. جدول زیر تعداد زنان شاغل در برخی کارخانه‌ها را نشان می‌دهد. در برخی کارخانه‌ها بیش از پنجاه درصد از کارگران کارخانه‌ها را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند.

جدول شماره ۲. تعداد کودکان و زنان کارگر در سال ۱۳۲۵ (کیهان، ۱۳۵۹: ۲۸)

نام کارخانه	تعداد کل کارگران	تعداد زنان و کودکان	درصد نسبت به کل
بهشهر	۲۵۰۴	۱۳۲۰	۵۲/۷
شاهی	۲۲۹۷	۱۱۶۰	۴۸/۶
چالوس	۱۴۶۵	۹۴۷	۶۴/۶
کاشان	۷۰۳	۳۵۳	۴۸/۳
شاهرضا	۶۸۹	۳۰۱	۴۳/۷
نساجی فارس	۶۶۸	۴۲۹	۶۴/۳
اهواز	۶۱۵	۳۵۸	۵۸/۲
خورشید کرمان	۳۹۶	۲۳۶	۵۹/۵
زاینده‌رود اصفهان	۱۲۳۶	۲۸۶	۲۳/۲
وطن	۹۷۲	۲۲۰	۲۲/۶
پشمباف	۱۳۱۹	۳۱۰	۲۳/۵
ریسباف	۲۰۲۱	۵۸۷	۲۹

یکی از عرصه‌هایی که زنان و دختران کارگر خیلی در آن فعال بودند، قالی‌بافی بود. آمار دقیقی از میزان اشتغال زنان در این سال‌ها در دست نیست. «ستاره سرخ» بافته شدن این قالی‌ها را حاصل رنج کودکان می‌دانست (ستاره سرخ، ۱۹۹۲: ۳۰۴). نراقی نماینده مجلس در نطقی خواستار رسیدگی به اوضاع آسفبار زنان و دختران کارگر قالی‌باف کرمان شد. وی کارگران قالی‌بافی را «بدبخت‌ترین کارگران این مملکت» معرفی کرد (مشروح مذاکرات مجلس ملی، چهارم خرداد ۱۳۲۷).

وضعیت درآمد و دستمزد زنان کارگر به مراتب پایین‌تر از مردان بود. کارگران زن متخصص شرکت دخانیات در رشت، روزانه تنها ۱۶ ریال حقوق می‌گرفتند. این در حالی بود که مزد کارگران مرد بین ۳۲-۳۵ ریال بود (کارگران ایران، ۱۳۲۸: ۳). «جهان زنان» نیز نوشت

رئیس کارخانه کنسروسازی، زنان کارگر را به بیگاری می‌کشد و زنان کارگر را برای مصارف شخصی به بیگاری می‌گیرد (جهان زنان، ۴ بهمن ۱۳۳۰: شماره ۱۱، ص ۷). زنان کوره‌پزخانه‌های تهران علی‌رغم کار برابر با مردان، حقوق بسیار ناچیزی می‌گرفتند (ظفر، ۱۳۲۹: ۱). کارگران زن در کشتارگاه‌ها نیز در «وضعیت آسف‌باری» بودند و ۱۶-۱۸ ساعت به سختی و در وضعیت بد بهداشتی کار می‌کردند (حقوق زنان، ۲۵ مرداد ۱۳۳۲: شماره ۱۲، ص ۴). در مجموع، قانون کار برای زنان ایران هیچ مفهومی نداشت (فیروز، ۱۳۶۰: ۴۲).

این وضعیت باعث شد تا فعالان زن به فکر تدوین قوانینی برای حل این مسائل بیفتند؛ به همین دلیل اجلاس «جمعیت ایرانی حمایت کودک» روز ۲۴ بهمن ۱۳۳۰ در تهران برگزار شد. در این نشست، یکی از سخنرانان اجلاس درخواست کرد تا قانون وزارت کار در مورد زنان و کودکان اجرا شود. وی همچنین خواهان تأسیس شیرخوارگاه، مرخصی زایمان و ساعات کار کمتر برای زنان شد (جهان زنان، ۲ اسفند ۱۳۳۰: شماره ۱۵، صص ۱، ۵). تنها صنایع نفتی در این زمینه به کارگران مرخصی داده و امکانات رفاهی برای آنها در نظر گرفته بودند (موزه و مرکز اسناد نفت، پرونده شماره ۱۷۰۲۰۷).

اساساً در جامعه ایران تا قبل از شهریور ۱۳۲۰، کارگران -چه زن و چه مرد- حقوق خاصی نداشتند. کارگران مرد را «عَمَله» و کارگران زن را «فاحشه» می‌خواندند. این وضع در ازدواج و روابط شخصی کارگران نیز تأثیر داشت. از این زنان با لفظ «دختر کارخانه‌ای» یاد می‌کردند و تنها مردان کارگر حاضر به وصلت با چنین زنانی بودند. «عزت‌الله باقری» کارگر اصفهانی، داستانی در این باره تعریف کرده است که به خوبی نشان از موقعیت و جایگاه دختران کارگر در جامعه اصفهان آن زمان دارد: «عده‌ای به خواستگاری دختری می‌آیند که در کارخانه کار می‌کرد. وقتی صحبت مهریه به میان می‌آید، «صاحب دختر» هزار تومان مهریه خواست. خواستگار با شنیدن این عدد عصبانی می‌شود و با عصبانیت می‌گوید چه خبر است؟ مگر یک دختر کارخانه‌ای چه ارزشی دارد که هزار تومان مهریه‌اش باشد؟ در آخر نیز با دوستانش به توافق می‌رسد. خواستگار با شنیدن این عدد عصبانی می‌شود» (باقری، ۱۳۸۱: ۱۸۹/۲-۱۹۰). بعدها با شکل گرفتن جنبش کارگری و قدرت یافتن اتحادیه‌های کارگری، موقعیت کارگران تغییر کرد. آنها به لطف مشارکت در مبارزات سیاسی و اجتماعی، صاحب نفوذ شدند. این تحول، در عرصه کار زنان نیز رخ داد و کارگران زن نیز صاحب شخصیت در جامعه شدند.

نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر بررسی تحول ذهنیت نخبگان جامعه ایرانی از موقعیت زنان از مجرای بحث

اشتغال بود. اشتغال زنان یکی از مظاهر جدال بر سر حقوق زنان در جامعه ایران بود. مدت‌ها منورالفکران ایرانی این تصور را القا می‌کردند که با آموزش زنان و تحصیل آنان می‌توان نقش‌شان در اجتماع را گسترش داد و ذهنیت جامعه را درباره آنان تغییر داد. با گذشت زمان مشخص شد که ذهنیت انباشتی جامعه به سادگی و با گسترش آگاهی و سواد جامعه تغییر نمی‌کند، بلکه نوع نقش اقتصادی زنان می‌تواند به بازتعریف نقش و جایگاه زنان در جامعه کمک کند. بیان این مسئله به معنی تقلیل وضعیت زنان به نقش اقتصادی و انکار نقش آموزش، سنت و قوانین حقوقی برای تغییر جایگاه زنان نیست، بلکه هدف تأکید بر بخشی است که در مطالعات تاریخی کمتر به آن توجه شده است. برخلاف دوران مشروطه و رضاشاه که بر آموزش زنان و کار آنان در خانه تأکید می‌شد، طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ش. به تدریج لزوم کار خارج از خانه مورد تأکید قرار گرفت. کار زنان در ادارات، محل بحث و جدال زیادی شد و آنها به سختی توانستند موقعیت خود را حفظ کنند. البته زنان کارگر کمتر مورد توجه نخبگان و گروه‌های سیاسی بودند. با این حال، توانستند برخی از حقوق اولیه و رفاهی را به دست آورند. در واقع، می‌توان گفت در این دوران جایگاه زنان شاغل تغییر کرد و شخصیت حقوقی پیدا کردند. البته باید به این نکته اشاره کرد که زنان کارگر در جامعه آن روز، هیچ‌گاه عنصری تعیین‌کننده نبودند، اما در تغییر وضعیت و ذهنیت جامعه و زنان ایرانی نقش داشتند.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

- آمار عملکرد صنایع کشور (۱۳۲۶)، تهران: اداره آمار و بررسی های فنی.
- ابراهیم زاده، رضیه (۱۳۸۱)، *خاطرات یک زن توده‌ای*، به کوشش بهرام چوبینه، تهران: نشر دادار.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، *مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- (۱۳۸۸)، *زنانی که زیر مئنه کلاه‌داری نمودند*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- احمدی خراسانی، نوشین و پروین اردلان (۱۳۸۲)، *سناتور؛ فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران*، تهران: نشر توسعه.
- ادگار، اندرو و پیتر سجویک (۱۳۹۷)، *مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی*، ترجمه مهرا مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۵)، *نامه‌های زنان ایرانی*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- باقری، عزت‌الله (۱۳۸۱)، *از زنان تا وین*، ج ۲، تهران: نشر حنا.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۱۰)، *کتاب اخلاق برای محصلات سال سوم مدارس متوسطه نسوان*، تهران: شرکت مطبوعات.
- بهرامی تاش، رکسانا (۱۳۹۹)، *زنان کارآفرین؛ کسب و کارهای خرد و بخش غیررسمی در ایران*، ترجمه مهشید کریمایی، تهران: شیرازه کتاب ما.
- پیرنیا، منصوره (۱۳۷۴)، *سالار زنان ایران*، مریلند: انتشارات مهر ایران.
- پارسونز، تالکوت (۱۳۶۳)، «ساختار اجتماعی خانواده»، *مبانی و رشد جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن پویان، ج ۲، تهران: چاپخش، صص ۷۱۳-۷۳۲.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، *سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهاناداری، تهران: خوارزمی.
- پیشه‌وری، جعفر (۱۳۷۸)، «به بهانه ۱ مارس روز جهانی زن»، *ترجمه ناصر آذر پور*، در کتاب *جنس دوم*، به کوشش نوشین احمدی خراسانی تهران: نشر توسعه، ج ۵، صص ۹-۱۱.
- پیکار در برلین، دوره *روزنامه پیکار* (۱۳۹۵)، به کوشش رضا آذری شهرضایی، تهران: شیرازه.
- ترابی فارسانی، سهیلا (تابستان ۱۳۹۵)، «زنان و تحول گفتمان از خلال نشریات زنان؛ از مشروطه تا پهلوی»، *تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۳۰، صص ۶۹-۹۲.
- حسینی، مرضیه (۱۴۰۱)، *وضعیت اشتغال زنان در دوره رضاشاه*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۹۷)، *جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران؛ (سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۱۴ش)*، تهران: خجسته.
- [به کوشش] (۱۳۹۵)، *گریگور یعیکیان گرایشی در سوسیال‌دموکراسی ایران*، تهران: شیرازه کتاب ما.

- خطابه‌های کانون بانوان در سال ۱۳۱۴ (۱۳۱۴)، ش ۱، [بی‌جا]: انتشارات کانون بانوان.
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۷۷)، صدیقه دولت‌آبادی: نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها، به کوشش مهدخت صنعتی و افسانه نجم‌آبادی، ج ۱، [بی‌جا]: انتشارات نگرش و نگارش زن.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۶)، برگ‌هایی از تاریخ اجتماعی اصفهان معاصر، ج ۲، اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد صنعتی اصفهان.
- روزنامه ستاره سرخ (۱۹۹۲م) به کوشش حمید احمدی، سوئد: نشر باران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
- ستاری، جلال (۱۳۹۴)، سازمان پرورش افکار و هنرستان هنرپیشگی، تهران: مرکز.
- سلامی، غلامرضا و افسانه نجم‌آبادی (۱۳۸۴)، نهضت نسوان شرق، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- سیاح، فاطمه (۱۳۵۴)، مقاله‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و تقریرات درسی، به کوشش محمد گلبن، تهران: توس.
- شاکری، خسرو [بی‌تا]، اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال-دموکراسی و کمونیستی ایران، ج ۴، تهران: نشر علم.
- شکوفه به انضمام دانش: نخستین روزنامه و مجله زنان در ایران (۱۳۷۷)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- صدری، شمس (۱۳۳۰)، در راه وظیفه، اصفهان: چاپخانه خدائی.
- طوافچیان، معصومه و مهوش جاسمی (۱۳۵۸)، وضع زنان در ایران، [بی‌جا]: انتشارات حزب رنجبران ایران.
- عاملی رضایی، مریم (۱۳۸۹)، سفر دانه به گل؛ سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار، تهران: نشر تاریخ ایران.
- عدل، عظمی [بی‌تا]، مرا بشناسید، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- علوی، نجمی [بی‌تا]، ما هم در این خانه حقی داریم؛ خاطرات نجمی علوی، برلین: انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران در برلین.
- فتحی، مریم (۱۳۸۳)، کانون بانوان، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- فصیحی، سیمین و مرضیه حسینی (پاییز ۱۳۹۸)، «وجه جنسیتی گفتمان دولت-ملت رضاشاه و تأکید بر ارزشمندی نقش خانگی زنان»، مجله تاریخ اسلام و ایران، شماره ۴۳، صص ۲۹-۵۱.
- فلور، ویلم (۱۴۰۱)، طبقه کارگران و صنعت در ایران ۱۳۲۰-۱۲۲۹، ترجمه رضا آذین، بوشهر: نشر خزه.
- فیروز، مریم (۱۳۶۰)، تاریخچه تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، تهران: جهان کتاب.
- (۱۳۷۳)، خاطرات مریم فیروز (فرمانفرماتیان)، تهران: اطلاعات.
- کسروی، احمد (۱۳۲۴)، خواهران و دختران ما، تهران: پیمان.
- کیهان، مهدی (۱۳۵۹)، بررسی علمی شرایط کار و زندگی کارگران نساجی در ایران، ترجمه غ. ن. جويا، تهران: ابوریحان.

- محمدی، ملکه [بی تا]، ارتش عظیم زنان به میدان می آید، [بی جا]: [بی نا].
- مشروح مذاکرات مجلس ملی، مجلس پانزدهم، ۴ خرداد ۱۳۲۷.
- منگنه، نورالهدی (۱۳۴۴)، سرگذشت یک زن ایرانی یا شمه‌ای از خاطرات من، [بی جا]: [بی نا].
- مؤمنی، باقر (۱۳۸۴)، دنیای ایرانی، تهران: انتشارات خجسته.
- ناطق، هما (۱۳۵۸)، کتاب جمعه، ش ۳۰، ۲۳ اسفند، صص ۴۵-۵۴.

ب. اسناد

- کمام، دوره ۱۵-۱۰۱۱، کارتن ۶۴، جزوه دان ۱۳/۹، پوشه ۱۰۸.
- موزه و مرکز اسناد نفت، پرونده شماره ۱۷۰۲۰۷.
- ساکما، ۵۷۹۰۴، ۲/۱۲/۱۳۲۳.
- ساکما، ۶۱۰۶/س/۴۹۴۹۲، ۷/۱۰/۱۳۲۲.

پ. روزنامه و نشریات

- اخبار هفته (۳۰ تیر ۱۳۲۹)، شماره ۱۹۳.
- اخگر (فروردین ۱۳۲۱)، سال چهاردهم ۱۴، شماره ۱۷۳۹.
- اطلاعات بانوان (۱۲ فروردین ۱۳۳۶)، شماره ۱.
- اطلاعات (۱۳۰۷/۵/۱۰)، شماره ۵۴۹.
- ایران نو (۴ صفر ۱۳۲۹)، سال دوم، شماره ۵۸.
- آزادی زنان (۱۳۲۳)، شماره ۱۴.
- دنیا (تیر ۱۳۱۳)، سال اول، شماره ۶.
- باخترا/امروز (۱۵ دی ۱۳۳۱)، شماره ۹۹۹.
- بانو (آذر ۱۳۲۳)، شماره ۴.
- (اسفند ۱۳۲۴)، شماره ۳.
- بیداری ما (تیر ۱۳۲۴)، سال دوم، شماره ۱۳.
- (مرداد ۱۳۲۴)، سال دوم، شماره ۲.
- (شهریور ۱۳۲۴)، سال دوم، شماره ۳.
- (مهر ۱۳۲۴)، سال دوم، شماره ۴.
- جهان تابان (۱۹ فروردین ۱۳۲۹)، شماره ۲۷.
- جهان زنان (۲۹ آذر ۱۳۳۰)، شماره ۶.
- (۴ بهمن ۱۳۳۰)، شماره ۱۱.
- (۲ اسفند ۱۳۳۰)، شماره ۱۵.
- (۴ بهمن ۱۳۳۱)، شماره ۳۱.
- حقوق زنان (۲۵ مرداد ۱۳۳۲)، سال دوم، شماره ۱۲.

۱۱۶ / تحول ذهنیت نخبگان جامعه ایران از کار زنان (از انقلاب مشروطه تا ۱۳۳۲ش) / رجیبی فرد و ...

- زیان زنان (آذر ۱۳۲۱)، شماره ۱.
- (شهریور ۱۳۲۳)، شماره ۵.
- زمان نوین (۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۱)، شماره ۱۳.
- زن امروز (۱۵ خرداد ۱۳۲۳)، سال اول، شماره ۱.
- زن مبارز (۳۰ فروردین ۱۳۳۱)، سال اول، شماره ۲.
- سیاست (۱۹ تیر ۱۳۲۱)، سال بیستم، شماره ۱۱۶.
- ظفر (۱ اردیبهشت ۱۳۲۹)، دوره دوم، شماره ۳.
- عالم زنان (شهریور ۱۳۲۳)، شماره ۳.
- (آبان ۱۳۲۳)، شماره ۵.
- (آذر ۱۳۲۳)، شماره ۶.
- قیام زن (۱۰ بهمن ۱۳۲۸)، شماره ۷.
- کارگران ایران (۲۵ اسفند ۱۳۲۸)، شماره ۸۲.
- جمعیت نسوان وطنخواه (مرداد و شهریور ۱۳۰۳)، سال اول، شماره ۵ و ۶.
- نامه رهبر (۸ فروردین ۱۳۲۲)، شماره ۴۲.
- پیمان (فروردین ۱۳۱۳) سال اول، شماره ۹.
- نامه فرنگستان (اکتبر ۱۹۲۴)، سال اول، شماره ۶.
- (نوامبر و دسامبر ۱۹۲۴)، سال اول، شماره ۷ و ۸.
- نقش جهان (۲۰ تیر ۱۳۲۴)، سال سوم، شماره ۲۴۴.
- مردان روز (۱۴ شهریور ۱۳۲۴)، سال اول، شماره ۳۴.

ج. منابع لاتین

- Jones, Gareth Stedman (1971) *Outcast London: A Study in the Relationship Between Classes in Victorian Society*, Oxford: Clarendon Press, London: University Press.
- Parsons, Talcott (1956), *Family, Socialization and Interaction Process*, London: Routledge & Kegan Paul.

پرتال جامع علوم انسانی

List of sources with English handwriting

- Adl, Ozma (n.d). *Marā Bešnāsīd*. N.p: n.p.
- Ahmadi Khorasani, Noushin and Ardalani Parvin (2012). *Senator; Mehrangiz Manouchehri's Activities in the Context of Women's Legal Struggles in Iran*. Tehran: Našr -e Tūse'eh. [In Persian]
- Alavi, Najmi (2003). *We also have a right in this house; The memoirs of Najmi Alavi*. Berlin: Anjoman-e Moṭāleāt- va Tahqīqāt-e Tārīk-e Šafāhī-e Iran Dar Berlin.
- Ameli Rezaei, Maryam (2010). *Safar-e Dāneh be gol: The Evolution of Women's Position in Qajar Prose* Tehran: Našr-e Tārīk-e Irān. [In Persian]
- Baghdar Delgusha, Ali (2015). *Letters from Iranian Women*. Tehran: Roušangarān va Muṭāle'āt-e Zanān. [In Persian]
- Bagheri, Ezatulāh (2002). *From Vanan to Vienna*. Vol 2. Tehran: Našr -e Ḥanā. [In Persian]
- Bahramitash, Roksana (2019). *Gender and entrepreneurship in Iran: microenterprise and the informal sector*. Translated by Mahshid Karimaei, Tehran: Šīrāzeh-ye Ketāb-e Mā. [In Persian]
- Bamdad, Baḍr ul-Muluk. (1931). *Ethics Book for Third Year Female High School Students*. Tehran: Šerkat-e Maṭbu'āt. [In Persian]
- Detailed proceedings of the National Assembly, 15th Parliament, June 4, 1948.
- Dolatabadi, Sediqeh (1998). *Sediqeh Dolatabadi: Letters, Writings, and Memories*. Ed. Mahdúkht Sanati va Afsaneh Najmabadi, n.p: Enteshārāt-e Negareš va Negāreš Zan. [In Persian]
- Ebrahimzadeh, Raziye (2002). *Memoirs of a Tudehi Woman*. Ed. Bahram Chubineh. Tehran: Našr-e Dādār. [In Persian]
- Ettehadieh, Mansoureh (1982). *The Principles and Regulations of Iranian Political Parties in the Second Term of the National Assembly*. Tehran: Našr-e Tārīk-e Irān. [In Persian]
- Ettehadieh, Mansoureh (2002). *Zanānī keh zīr-e Maqna'eh kolāhdārī kardand*. Tehran: Našr-e Tārīk-e Irān. [In Persian]
- Fasihi, Simin (2010). *From privacy to the community arena Women's encounter with the "duality of nature and culture" from the Constitutional Revolution to the end of the Qajar period*. Journal of History of Islam and Iran. 8, pp 115-138. [In Persian]
- Fasihi, Simin and Marziyeh Hoseini (2019). "The gender aspect of the discourse of the Reza Shah government and the emphasis on the value of women's role". Journal of History of Islam and Iran, 43, pp 29-51. [In Persian]
- Fathi, Maryam (2004). *Women's Center*. Tehran: Mu'asseseh-ye Moṭāleāt-e Tārīk-e Mo'āser-e Irān. [In Persian]
- Firuz, Maryam (1981). *History of the Democratic Organization of Iranian Women*. Tehran: jāhān-e Ketāb. [In Persian]
- Firuz, Maryam (1994). *Memoirs of Maryam Firuz (Farmānfarmān)*. Tehran: Eṭelā'āt. [In Persian]
- Golban, Mohammad (1975). *Naqd va sīāhat (Articles, Lectures, Interviews and Lecture Notes by Dr. Fatemeh Sayah)*. Tehran: Tūs. [In Persian]
- Hoseini, Marziyeh (2022). *The Status of Women's Employment in the Reza Shah Period*. Tehran: History of Iran Publication. [In Persian]
- Kasravi, Ahmed (1945). *Our Sisters and Daughters*. Tehran: Peymān. [In Persian]
- Kemām*: Volume 15 – 1011, Carton 64, Pamphlet Dan 9/13, Folder 108.
- Keyhan, Mahdi (1980). *Scientific Investigation of the Working and Living Conditions of Textile Workers in Iran*. Trans. Q.N. Joya. Tehran: Abū Reihān. [In Persian]
- Khosroupanah, Mohammad Hossein (2018). *Jamiat Patriotic Women's Association of Iran; (Years: 1922 - 1935)*. Tehran: kojasteh. [In Persian]
- Mangeneh, Norolhuda (1965). *The Story of an Iranian Woman or a Glimpse of My Memories*. N.p: n.p.
- Mohammadi, Malakeh & Others (n.d). *The Great Army of Women Takes the Field*. N.p: n.p.
- Momeni, Baqer (2005). *Donyā-ye Arāni*. Tehran: Enteshārāt-e kojasteh. [In Persian]

- Nateq, Homa (1979). "Ketāb-e jom'eh". sh. 30, 23 Esfand, PP 45-54. [In Persian]
Oil Museum and Documentation Center, File No. 170207.
- Peikār dar Berlīn, dūreh-ye Rūznāmeḥ-ye Peikār (2015). Ed. Reza Azari Shahrezai, Tehran: Šīrāzeh. [In Persian]
- Pirnia, Mansoureh (1995). *Sālār-e Zanān-e Irān*. Miriland: Entešārāt-e Mehr-e Irān. [In Persian]
- Pishevari, Jafar (1999). "On the Pretext of March 8, International Women's Day,". Translated by Naser Azarpur, in the book Gender II. Ed. Noushin Ahmadi Khorasani. Tehran: Našr-e Tūse'eh.5, pp 9-11. [In Persian]
- Polak, Jakob Eduard. (1982). *Safarnā Persien*. Translated by Keikavus Jahandari, Tehran: k̄ārazmī. [In Persian]
- Rajaei, Abdul Mahdi (2017). *Pages from the Social History of Contemporary Isfahan*. Vol 1, Esfahan: jahād-e Dānešgāhī vāhed-e san'ati-e Esfahān. [In Persian]
- Sadri, Shams (1951). *On the Road to Duty*. Esfahan: Chāpkāneh-ye kodāei. [In Persian]
- Salamī, Gholamreza & Najmābādi, Afsāneh (2005). *Women's Movement of the East*. Tehran: Šīrāzeh. [In Persian]
- Saroukhani, Baqer. (1991). *An Introduction to the Sociology of the Family*, Tehran: Soruš-e Entešārāt-e Šedā va Šimā. [In Persian]
- Sattari, Jalal (2015). *The organization of mind cultivation and the acting conservatory*. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābkāneh-ye meli-e Irān (sākmā), Id Document 57904, 2/12/1323.
- Sāzmān-e asnād va kitābkhāneh-ye meli-e Irān (sākmā), Id Document 6106/S 49492, 7/10/1322.
- Shakri, Khosrou (n.d.). *Asnā Historical Documents: The Labor Movement, Social Democracy and Communism of Iran*. Vol 4, Tehran: Našr-e 'Elam. [In Persian]
- Šokōūfeh be Enzēmām-e Dāneš: *Nokostīn Rūznāmeḥ va Majaleh-ye Zanān dar Irān* (1998). Tehran: Sāzman-e asnād va kitābkhāneh-ye meli Jumhuri-e Islāmi-ye Irān. [In Persian]
- Statistics on the Performance of the Nation's Industries (1946), Tehran: Department of Statistics and Technical Surveys. [In Persian]
- Talcott Parsons (1984). "The Social Structure of the Family", in Abraham, J. H., *Foundations and Development of Sociology*, trans. Ḥasan Poyan, vol. 2, Tehran: Čāpkaš, pp. 713-732. [In Persian]
- Tavafchian, Masoumeh & Jasemī, Mahvash (1979). *The Status of Women in Iran*. N.p.: Enteshārāt-e Hezb-e Ranjbarān-e Irān. [In Persian]
- Torabi Farsani, Soheila (2015). "Women And Discourse Change Through Women Newspapers (From The Constitutional Movement Upto Pahlavi Era)". *Journal of History of Islam and Iran*, 3, pp 69-92. [In Persian]
- Willem, Floor (2022). *Labor industry in Iran, 1850-1941*, trans. Reza Azin, Bushehr: Našr-e Kāzeh. [In Persian]
- Yeghikian, Gregory (2016). *Gregor Yeghikian: A Tendency in Iranian Social Democracy*. Ed. Mohammad Hossein Khosroupanah. Tehran: Šīrāzeh-ye Ketāb-e Mā. [In Persian]

Magazines and Press

- Azādī-ye Zanān*, no. 14, 1323 (1944)[In Persian]
- Setāreh-ye sorq*, Be kushesh-e Hamid Ahmadi, Sweden: Nashr-e Bāran, 1993. [In Persian]
- Zafar*, Doreh-ye 2, no. 3, 1 Ordibehesht 1329 (21 April 195), 1. [In Persian]
- Irān-e Nū*, no. 58, 4 Safar 1329 (4 February 1911), 4. [In Persian]
- Zabān-e Zanān*, no. 23, 12 Sha'ban 1338 (1 May 1920), 1; no. 1, Āzar 1321 (December 1942), 2; no. 5, Shahrivar 1323 (September 1944), 3-7. [In Persian]
- Nāmeḥ-ye Farangestān*, no. 6, October 1924, 287; no. 7-8, November-December 1924, 358-359. [In Persian]
- Eṭelā'āt*, no. 549, 1 Aban 1307, (23 October 1928), 2. [In Persian]
- Peymān*, s 1, no. 9, Farvardin 1313 (April 1934), 16. [In Persian]
- Donyā*, no. 6, Tir 1313 (July 1934), 185. [In Persian]
- Akḡar*, no. 1739, 10 Farvardin 1321 (10 march 1942). [In Persian]
- Sīāsāt*, no. 116, 19 Tir 1321 (10 July 1942), 1. [In Persian]

- Nāmeḥ-ye Rahbar*, no. 42, 8 Farvardin 1322 (29 March 1943), 2. [In Persian]
Zan-e Emrūz, no. 1, 15 Khordād 1323 (5 June 1944). [In Persian]
Ālam-e Zanān, no. 3, Shahrivar 1323 (September 6, 1944), 13; no. 5, Āban 1323 (November 1944), 1; no. 6, Āzar 1323 (December 6, 1944) 1944, 3. [In Persian]
Bānū, Esfand 1323 (March 1945); no. 4 Āzar 1323 (December 1944), 1; no. 1, Dey 1323 (January 1945), no. 2; 2. Esfand 1324 (March 1946), 2. [In Persian]
Naqš-e jahān; no. 244, 20 Tir 1324 (11 July 1945), 1. [In Persian]
Mardān-e Rūz, no. 34, 14 Sharivar 1324 (5 September 1945) [In Persian]
Qīyām-e Zan, no. 7, 10 Bahman 1328 (30 January 1950), 8. [In Persian]
Kārgarān-e Irān, no. 82, 25 Esfand 1328 (16 March 1950), 3. [In Persian]
jahān-e Tābān, no. 27, 19 Farvardin 1329 (8 April 1950), 1. [In Persian]
Aḵbār-e Haftēh, no 193, 30 Tir 1329 (21 July 1950). [In Persian]
jahān-e Zanān, no. 6, 29 Āzar 1330 (21 December 1951), 1-2; no. 11, 4 Bahman 1331 (24 January 1953), 6; no. 13, 18 Bahman 1951; no. 15, 2 Esfand 1330 (22 February 1952), 1-5. [In Persian]
Zan-e Mobārez, no. 2, 30 Farvardin 1331 (19 April 1952), 1. [In Persian]
Zamān-e Nūvīn, no. 13, 16 Ordibehesht 1331, (6 May 1952), 2. [In Persian]
Bāktar-e Emruz, no. 999, 15 Dey 1331 (January 1953), 5. [In Persian]
Hoqoq Zanān, no. 12, 25 Mordād 1332 (16 August 1953), 4. [In Persian]
Eṭelā'āt-e Bānuvān, no. 1, 12 Farvardin 1336 (1 April 1957), 7. [In Persian]
Bīdārī-ye Mā, no. 13, Tir 1324 (July 1945), 4-6.; no. 2, Mordād 1324 (August 1945), 4; no. 3, Shrivar 1324 (September 1945), 6- 8.; no. 4, Mehr 1324 (October 1945), 14; no. 6, Āban 1325 (November 1946). [In Persian]
jam tāt-e Nesvān-e Vatānkāh, s 1, no 5-6, Mordād va Sharivar 1303 (August September 1924), 5. [In Persian]
Parsons et al, Talcott (1956), Family, Socialization and Interaction Process. London: Routledge & Kegan Paul, 1956.
Jones, Gareth Stedman (1971) Outcast London: A Study in the Relationship Between Classes in Victorian Society, Clarendon Press, Oxford, University Press, London.
Moghadam Valentine. M (2000) Hidden from History? Women Workers in Modern Iran, Iranian Studies, Vol. 33, No. 3/4 Summer - Autumn, pp. 377-401.



**The Change in the Mentality of the Iranian society's elites about Women's
Employment (From the Constitutional Revolution to 1332 AH)¹**

Hassan Rajabi Fard²
Karim Soleimany Dehkordi³

Received: 2024/10/24
Accepted: 2025/01/30

Abstract

This article attempts to show the prevailing understanding of women's employment in Iranian society. Efforts to change the position of women in Iranian society began with the constitutionalism movement. The main focus was on compensating for the cultural backwardness of girls and women through education. This approach continued until Reza Shah of the Pahlavi dynasty, when women were assigned the task of working at home and raising children. After the fall of Reza Shah, women activists campaigned to change the role of women and have their rights recognized and restored. One example of such changes in the mentality of Iranian society was the issue of women's employment. This article addresses the question of how the elites of Iranian society understood women's work during this period, using the method of structural functionalism and paying special attention to the press. Of course, despite all efforts, the prevailing argument that women work at home and take the role of mother was not considered and, their economic role and employment was not emphasized.

Keywords: Housework, Women's work, Women's rights, Women's education, Child raising

1. DOI: 10.22051/hii.2025.48503.2974.

2. PhD Candidate, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), hfr3011@gmail.com

3. Associate Professor of History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. soleimanyk@gmail.com.

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493